

برآوردی واهپردی از آخرین وضعیت اسرائیل: با تمرکز بر چشم‌انداز و رابطه با ایالات متحده

معصومه تقی‌زاده*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۵/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۸/۲۳

۱۰۵

چکیده

پیشینه تاریخی، موقعیت ژئوپلیتیک و نگرانی‌های امنیتی در کنار عوامل متعدد دیگر موجب شده است تا آینده در ابعاد مختلف آن برای اسرائیل به‌عنوان یک موجودیت سیاسی اهمیتی دوچندان داشته باشد. این مقاله چالش‌های پیش روی اسرائیل را از خلال روابط این رژیم با ایالات متحده آمریکا مدنظر قرار می‌دهد. از آنجایی که منطقه خاورمیانه یکی از مراکز ثقل سیاست خارجی آمریکاست، چگونگی رویکرد این کشور به هر یک از مسائل منطقه در وضعیت حال و آینده اسرائیل تاثیر بسزایی خواهد داشت. گوناگونی بحران‌ها و مسائل جاری منطقه از موضوع گسترش سلاح‌های هسته‌ای گرفته تا تروریسم و صلح اعراب و اسرائیل، در کنار سرعت تحولات، خواب آرام همه کشورهای منطقه را برآشفته و اسرائیل نیز از این قاعده مستثنی نیست و تلاش دارد تا با اثرگذاری بر نهادهای سیاست‌گذاری در آمریکا از تاثیر سوء این تحولات بر خود بکاهد.

واژگان کلیدی: اسرائیل، ایالات متحده آمریکا، تروریسم، گسترش سلاح‌های هسته‌ای، صلح، شهرک‌های یهودی‌نشین

* دانش‌آموخته روابط بین‌الملل در دانشگاه شهید بهشتی

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمریکاشناسی-اسرائیل‌شناسی، سال هفدهم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۴، صص ۱۲۳-۱۰۵

◆ آمریکاشناسی . اسرائیل‌شناسی

مقدمه

ایالات متحده آمریکا و اسرائیل طی دهه‌های متمادی روابط دفاعی، سیاسی و اقتصادی نزدیکی با یکدیگر داشته‌اند. آمریکایی‌ها هنگام تصمیم‌گیری در مورد سیاست منطقه، امنیت اسرائیل را مدنظر قرار می‌دهند و اسرائیل در وضعیت دفاعی خود متکی به آمریکاست؛ اگرچه گاه از اختلاف‌نظر مقامات دو طرف در مورد اولویت‌بندی چالش‌های امنیتی و چگونگی رفع آنها سخن به‌میان می‌آید. کنگره ایالات متحده نظارت فعالی بر چگونگی تعامل قوه اجرایی این کشور با اسرائیل دارد، همچنان که تعدادی از اعضای کنگره بارها از باراک اوباما به دلیل عدم حمایت کافی از اسرائیل انتقاد کرده‌اند.

رویکرد آمریکا به بخشی از چالش‌های موجود در منطقه خاورمیانه برای اسرائیل و آینده روابط دوجانبه اهمیت حیاتی دارد؛ از جمله ظرفیت جمهوری اسلامی ایران برای گسترش سلاح‌های هسته‌ای، ظهور حرکت‌های سیاسی اسلامی توسط گروه‌های تروریستی در منطقه، موضوع توافق صلح اسرائیل و سازمان آزادی‌بخش فلسطین که به مسائل متعددی همچون چگونگی تعیین مرزها، شهرک‌های یهودی‌نشین، مهاجران فلسطینی و تعیین وضعیت بیت‌المقدس گره خورده است.

پیشینه اسرائیل

اگرچه در نخستین کنگره صهیونیسم ایده استقرار یهودیان در سرزمین مقدس یعنی فلسطین مطرح شده بود، اما در سال ۱۹۱۷ در خلال جنگ جهانی اول بود که دولت بریتانیا با صدور اعلامیه بالفور از تاسیس یک سرزمین ملی برای یهودیان در فلسطین حمایت کرد. بعد از پایان جنگ نیز فلسطین تحت قیمومت بریتانیا قرار گرفت و در این دوران یهودیان زیادی به این سرزمین مهاجرت کردند. پس از جنگ جهانی دوم با وقوع هولوکاست، تقاضا برای داشتن یک سرزمین برای یهودیان تبدیل به یک ضرورت شد و در سال ۱۹۴۷ مجمع عمومی سازمان ملل طرح تقسیم فلسطین به دو دولت یهود و عرب را داد و یادآور شد که بیت‌المقدس و مناطق اطراف آن تحت قیمومت سازمان ملل قرار گیرد. در حالی که یهودیان از این طرح استقبال کردند، کشورهای عربی و اتحادیه عرب آن را رد نمودند. در نهایت با پایان قیمومت بریتانیا بر این سرزمین،

رژیم اشغالگر اسرائیل اعلام موجودیت و استقلال کرد و این آغازی بر منازعات بین دولت‌های عربی و اسرائیل شد که مهم‌ترین آنها در سال‌های ۱۹۵۶، ۱۹۶۷، ۱۹۷۳ و ۱۹۸۲ اتفاق افتاد. در سال ۱۹۷۹ اسرائیل با اعراب منطقه به توافق صلح رسید که با پیمان صلح دیگری با اردن در سال ۱۹۹۴ تداوم یافت و به این ترتیب احتمال وقوع جنگ‌های چندجانبه کاهش پیدا کرد. البته تهدید اساسی برای امنیت اسرائیل، از سوی ایران و گروه‌های متحد با آن بود. ضمن اینکه تحولات کشورهای عربی و تخاصم بین اسرائیل و فلسطینیان، موقعیت منطقه‌ای آن را پیچیده‌تر می‌کرد.

نمایه جمعیتی اسرائیل به گونه‌ای است که سامان سیاسی و اجتماعی آن را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد. تحولات جمعیتی می‌تواند این نکته را روشن کند که چرا جمعیت یهودی اخیر اسرائیل نسبت به نسل پیش بسیار ملی‌گراتر، از نظر مذهبی محافظه‌کار و در سیاست خارجی و امنیتی جنگ‌طلب شده است. تجربه نظامی شهروندان یهودی اسرائیل و بسیج مداوم جمعیت، یهودیان اسرائیل را از دیگر نسل‌های آن در اروپا و آمریکای شمالی متمایز کرده است. ضمن اینکه عامل موقعیت جمعیت و تجربه تاریخی منحصر به فرد اسرائیل نیز در این میان موثر است. با این حال، رهبران اسرائیل و بخش عمده‌ای از جامعه مدنی آن بر تعهدات خود به ارتباطات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با ایالات متحده و جهان غرب تاکید می‌کند. از سوی دیگر بین شهروندان یهود و عرب جامعه اسرائیل بیگانگی قابل توجهی مشاهده می‌شود. اعراب ۲۰ درصد جمعیت اسرائیل را تشکیل می‌دهند و حرکت‌های اسلامی در میان این اجتماع به چشم می‌خورد.

نظام سیاسی اسرائیل دموکراسی پارلمانی است که در آن نخست‌وزیر در راس حکومت قرار دارد و رییس‌جمهور به طور تشریفاتی بالاترین مقام دولتی است. مجلس (کنست) رییس‌جمهور را برای دوره هفت ساله انتخاب می‌کند. در آخرین انتخابات در مارس ۲۰۱۵ بنیامین نتانیاهو از حزب لیکود با برتری شش کرسی از اتحادیه صهیونیستی با گرایش چپ مرکزی پیشی گرفت و یک دولت ائتلافی تشکیل داد.

اسرائیل اقتصاد پیشرفته دارد که دولت در آن نقش اساسی ایفا می‌کند. با این حال به‌نظر می‌رسد اقتصاد اسرائیل پس از سال‌های رشد مداوم در حال حاضر سال‌های رکود و کاهش رشد اقتصادی را تجربه می‌کند. به گونه‌ای که رقم رشد اقتصادی آن از ۵/۸ در سال ۲۰۱۰ به رقم ۲/۸ الی ۳/۲ در سال

۲۰۱۲ رسیده است. این کاهش رشد در نتیجه رکود اقتصادی در بزرگ‌ترین بازار صادرات اسرائیل در اروپا، آمریکای شمالی و چین است. همچنین طبق گزارش سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) اسرائیل در میان ۳۴ کشور عضو این سازمان بالاترین رتبه را از حیث نابرابری درآمدها دارد.

نگرانی‌های امنیتی اسرائیل

بنیامین نتانیاهو و دولت او در محاصره تهدیدات امنیتی منطقه‌ای از سوی ایران، ناآرامی‌های مربوط به کشورهای عرب همسایه به ویژه سوریه، عراق، لبنان و مصر، و منازعه طولانی‌مدت با فلسطینی‌ها قرار دارد. اگرچه اسرائیل نسبت به همسایگان خود برتری نظامی دارد، اما تغییر نظم منطقه و تهدیدات نامتقارن می‌تواند ظرفیت‌های اسرائیل برای طراحی قدرت نظامی، جلوگیری از حملات و دفاع از جمعیت و مرزهایش را تحت‌تاثیر قرار دهد. به نظر می‌رسد پی‌گیری مشی دیپلماسی توسط آمریکا با ایران، این نگرانی را در اسرائیل تشدید کرده است که آیا آمریکا می‌تواند با فاصله جغرافیایی موجود، تهدیدات بالقوه علیه اسرائیل را خنثی و مطابق اولویت‌های اسرائیل رفتار کند. بخشی از جامعه اسرائیل بر این باورند که سطح و ماهیت نفوذ آمریکا در خاورمیانه کاهش یافته است. در مقابل عده‌ای معتقدند که تعهد آمریکا به اسرائیل و دیگر متحدان منطقه‌ایش از خلال اقدامات محسوسی چون فروش تسلیحات و همکاری دفاعی در زمینه موشکی در حال گسترش و تقویت است.

چالش‌های مربوط به ایران و همسایگان عرب

طی ۴۲ سال از آخرین جنگ اسرائیل در سال ۱۹۷۳ این رژیم تهدیدات امنیتی را با اتکا به سه امتیاز دفع کرده است:

الف. برتری نظامی سنتی؛

ب. انحصار مبهم اما مسلم هسته‌ای در منطقه؛ و

ج. روابط قانونی یا بالفعل با رهبران اقتدارگرای همسایگان عرب خود با هدف جلوگیری از جنگ دولتی.

به‌رغم اینکه برتری نظامی اسرائیل روشن است، دو امتیاز دیگر با چالش‌های استراتژیکی روبه‌روست؛ یکی چالش هسته‌ای ایران، و دیگری خطر بی‌ثباتی و تروریسم از جانب مناطق مهار نشده بدون حکومت.

دستیابی احتمالی ایران به ظرفیت سلاح‌های هسته‌ای می‌تواند شکاف‌های امنیتی اسرائیل را تشدید کند. رهبران اسرائیل ادعا کرده‌اند که حتی اگر ایران از سلاح هسته‌ای استفاده نکند و قصد استفاده یا حتی ساخت سلاح هسته‌ای نیز نداشته باشد، صرف ظرفیت آن کشور برای اقدام، قدرت بازدارندگی‌اش را افزایش خواهد داد و همین، هزینه‌های مقابله اسرائیل و دیگران را با ایران و متحدانش مثل حزب‌الله و دیگر گروه‌های نظامی فلسطینی افزایش خواهد داد. از سویی ارباب به‌وجود آمده، دولت‌های عرب خلیج فارس را به سمت اتخاذ سیاست‌های خاموش یا موافق ایران یا تقویت ظرفیت‌های هسته‌ای‌شان سوق خواهد داد. همین به نوبه خود می‌تواند راه را برای نفوذ ایران و یا گسترش هسته‌ای در کل منطقه باز کند که بنیامین نتانیاهو آن را خطری بزرگ برای اسرائیل می‌داند. نگرانی‌های اسرائیل و مقامات آن، در جریان پیشبرد مذاکرات هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱ به‌خوبی خود را نشان داد. چنان‌که زمانی که مذاکره‌کنندگان در اوایل آوریل ۲۰۱۵ بر سر یک چارچوب سیاسی به توافق رسیدند، بنیامین نتانیاهو به‌شدت با آن مخالفت نمود و اعلام کرد که هرگونه توافق نهایی در آینده باید دربردارنده الزام ایران برای به‌رسمیت شناختن موجودیت اسرائیل باشد. در مقابل، باراک اوباما طی مصاحبه‌ای تاکید کرد که در چارچوب توافق، منافع اسرائیل نیز لحاظ شده است. وی در کسوت ریاست جمهوری آمریکا، تعهد خود به برتری نظامی کیفی (QME) اسرائیل و تمایلش بر تعهدات بیشتر نسبت به امنیت آن را یادآور شد.

اسرائیل و ایالات متحده آمریکا همکاری‌های اولیه برای فروش یک بسته تسلیحاتی به اسرائیل را آغاز کرده‌اند تا به این ترتیب نگرانی‌های اسرائیل از توافق هسته‌ای ایران را تخفیف دهند. در این همکاری‌ها حفظ برتری نظامی کیفی اسرائیل مد نظر قرار گرفته است.

افزون بر موضوع ایران، خلاء امنیتی نزدیک مرزهای اسرائیل با سوریه، لبنان، صحرای سینا در مصر، عراق و لیبی نیز گسترده شده است. از آنجایی‌که این مناطق میزبان یا جذب‌کننده تروریست‌ها، قاچاق‌کنندگان اسلحه، و مهاجران و پناهندگان هستند، می‌توانند به تهدیدی علیه

امنیت اسرائیل تبدیل شوند. انتقال تسلیحات از داخل خاک سوریه به حزب‌الله لبنان از یک سو و استفاده حزب‌الله از فضاهاى شهری لبنان به‌عنوان پناهگاه، از مواردی است که اسرائیل بر آن تأکید داشته و سعی در عمومی کردن آن دارد، به این امید که بتواند تهدیداتش علیه مواضع حزب‌الله را اعتبار و رسمیت ببخشد و بازیگران بین‌المللی را وادار به اقدام نماید. به نظر می‌رسد اسرائیل خطر ایران، حزب‌الله لبنان و سوریه را بسیار مهم‌تر از تهدید اسلام‌گرایان سنی می‌داند، چیزی که بیانگر واگرایی میان دیدگاه‌های امنیتی اسرائیل و آمریکا نیز هست. با این حال تهدید ایجاد شده توسط دولت اسلامی عراق و سوریه این نگرانی را نزد اسرائیلی‌ها دامن زده است که پناهگاه امنی برای تروریست‌های بین‌المللی که در پی آسیب زدن به اسرائیلیان و یهودیان هستند، ایجاد شود. سویه دیگر نگرانی اسرائیل از دولت اسلامی [داعش] این است که این گروه تروریستی به‌دنبال تضعیف و تحلیل نظم و قانون پادشاهی در اردن است، کشوری که از سال ۲۰۱۱ دور از ناآرامی‌های جهان عرب بوده است.

دیگر همسایه‌هایی که امنیت آن برای اسرائیل اهمیت حیاتی دارد، مصر است. رهبران اسرائیل که با انتخاب محمد مرسی از اخوان‌المسلمین نگران آینده مصر بودند، با ژنرال عبدالفتاح السیسی که در پی برکناری نظامی مرسی روی کار آمد، بسیار همراه بوده‌اند. نیروهای مصری در فعالیت نظامی تلافی‌جویانه در صحرای سینا و مرزهای آن با نوار غزه، و هدف قرار دادن تونل‌های قاچاق صحرای سینا - غزه فعال بوده‌اند. به نظر می‌رسد طی دو سال گذشته استمرار و گسترش تسلیحات و نیروی نظامی بخشی از تلاش‌های نظامی گسترده مصر برای مقابله با اسلام‌گرایان نظامی و گروه‌های قبیله‌ای در سینا و شاید نظامیان فلسطینی بوده است. طبق گزارش‌ها این اقدامات با همکاری و هماهنگی اسرائیل در پی پیمان صلح مصر و اسرائیل در سال ۱۹۷۹ صورت گرفت. بعد از تغییر رهبری در مصر در جولای ۲۰۱۳ اسرائیل فعالانه به دنبال جلب حمایت بین‌المللی و آمریکا از مصر و مصر به‌دنبال ایفای نقش کلیدی در میانجی‌گری سیاسی میان اسرائیل، حماس و نظامیان فلسطینی بوده است.

طی سال‌های گذشته تهدیدات موشکی از نوار غزه و صحرای سینا (توسط حماس و دیگر گروه‌های نظامی) و از لبنان (توسط حزب‌الله) علیه اسرائیل تداوم داشته است. در جلوگیری از تهدید

موشکی علیه اسرائیل یا مذاکره بر سر پایان دادن به کنترل اسرائیل بر نوار غزه و اطراف آن پیشرفت اندکی صورت گرفته است. اگرچه با تخریب گسترده تونل‌های قاچاق توسط مصر، روند تامین مهمات نظامی فلسطینیان توسط حامیان آن در پی منازعه تابستان ۲۰۱۴ کاهش یافته است. درگیری تابستان ۲۰۱۴ سومین درگیری مهم بین اسرائیل و حماس از زمان پایان منازعه ۲۰۰۸ و ۲۰۱۲ بود. هر سه این جنگ‌ها امتحان ظرفیت نظامی، پیوستگی سیاسی داخلی و قدرت بازدارندگی اسرائیل در زمان تغییر سیاسی بوده است.

مسئله فلسطین و گزینه‌های پیش روی اسرائیل:

چشم‌انداز صلح میان اسرائیل و فلسطین دست‌کم در آینده‌ای نزدیک، تیره و تاریک به نظر می‌رسد، چنان‌که آخرین گفتگوهای صلح میان دو طرف نیز در آوریل ۲۰۱۴ بی‌نتیجه پایان یافت. اگر عدم تحقق صلح را به معنای تشدید تنش‌ها میان دو طرف بدانیم، باید گفت که تامین امنیت یهودیانی که در مجاورت فلسطینی‌ها زندگی می‌کنند، به یکی از چالش‌های رژیم اشغالگر اسرائیل تبدیل شده است. هم‌چنان‌که از اواخر سال ۲۰۱۴ حملاتی موسوم به (گرگ تنها) در بیت‌المقدس توسط فلسطینی‌ها علیه اسرائیلیان ترتیب داده شد. از طرفی رهبران اسرائیل تحت فشار افکار عمومی داخلی خود هستند تا بدون مورد مصالحه قرار دادن امنیت ملی، و از روش‌های ممکن تعامل خود با فلسطینیان کرانه باختری و مسئولیت‌هایش در مقابل آنها را کم کند. ضمن اینکه در میان رهبران اسرائیلی برای پذیرش راه حل دو بازبزرگ نیز اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای معتقدند که اسرائیل در تنگنای انتخاب دموکراسی و برتری یهود گرفتار شده است و برخی از رهبران اسرائیل بر این باورند که توافق فلسطینی‌ها در کرانه باختری و نوار غزه می‌تواند جهت اجتناب از این موقعیت ضروری باشد که یهودیانی با اقلیت عددی بر اکثریت اعراب ساکن در فلسطین تاریخی حکومت کنند. از سوی دیگر برخی از رهبران اسرائیلی آشکارا خواهان ضمیمه کردن اکثریت قلمرو کرانه باختری به اسرائیل برای تضمین امنیت آن هستند، اگرچه نه الحاق و نه تاسیس یک فلسطین جدا را در آینده نزدیک میسر نمی‌دانند. در این میان برخی نیز به علاقه سنتی اسرائیل در تعهد به فرایند صلح برای اجتناب از (واقعیت یک کشور) و تداوم روابط حسنه با

ایالات متحده آمریکا و جامعه بین‌الملل اشاره کرده‌اند. اما همه اینها موجب شده است تا رهبران فلسطین ابتکار عمل را در عرصه بین‌المللی به دست بگیرند.

نگرانی از انزوای بین‌المللی و تاثیرات اقتصادی آن

اسرائیل و بسیاری از حامیانش بارها احتمال انزوای بین‌المللی اسرائیل را مطرح کرده‌اند. برخی اسرائیلی‌ها بر این باورند که انزوای بین‌المللی اسرائیل موضوعی است که توسط دشمنان کینه‌توز آن برای گسترش رویکردهای ضد اسرائیلی و ضد صهیونیستی دنبال می‌شود. اما تعدادی دیگر آن را نتیجه سیاست‌های اسرائیل از جمله شهرک‌سازی در کرانه باختری و قدس شرقی می‌دانند. انزوای بین‌المللی اسرائیل با سه موضوع محوری مرتبط است:

الف. ابتکار عمل سیاسی و قانونی رهبران فلسطینی در عرصه بین‌الملل؛

ب. جنبش BDS یا تحریم علیه اسرائیل؛ و

ج. رابطه اسرائیل با اروپا و کشورهای دیگر.

ابتکارات رهبران فلسطینی در صحنه بین‌المللی ظرفیت تحریک احساسات بین‌المللی در مخالفت با رهبران اسرائیل را داشته است. از جمله این ابتکار عمل‌ها موارد ذیل قابل اشاره است: پیش‌نویس قطعنامه شورای امنیت در حمایت از فلسطین در دسامبر ۲۰۱۴ در پی شکست مذاکرات صلح در آوریل ۲۰۱۴ که با مخالفت آمریکایی‌ها هشت رای از نه رای مورد نیاز برای تصویب را به دست آورد.

تلاش برای عضویت و پذیرش پیمان‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی از جمله دادگاه بین‌المللی کیفری جهت پی‌گیری اقدامات و جنایات اسرائیل در جنگ غزه در تابستان ۲۰۱۴ و فعالیت‌های مربوط به شهرک‌سازی در کرانه باختری.

بازتاب بین‌المللی جنگ غزه در تابستان ۲۰۱۴ برای اسرائیل این بود که اسرائیل متهم به استفاده بی‌تناسب از زور در غزه شد و شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در ماه جولای به تاسیس کمیسیونی جهت بررسی خشونت‌های صورت گرفته علیه بشریت در غزه و کرانه باختری رای داد. تحریم اسرائیل یا کالاهای اسرائیلی چندی است که در قالب جنبش BDS توسط برخی

کشورها و جوامع مدنی آنها دنبال می‌شود. از جمله اینکه صندوق‌های بازنشستگی و شرکت‌های برخی کشورهای اروپایی سرمایه‌های خود را از اسرائیل خارج کرده یا قراردادهای خود را به‌علت نگرانی از ارتباط این سرمایه‌گذاری‌ها با فعالیت‌های شهرک‌سازی اسرائیل لغو کرده‌اند. کنگره آمریکا در تلاش است گزینه‌های قانونی جهت محدود کردن این حرکت پیدا کند. حرکتی که گفته می‌شود می‌تواند تهدیدی برای هویت اسرائیل به عنوان یک دولت یهود باشد.

به‌نظر می‌رسد طی سالیان اخیر جهت‌گیری کشورهای اروپایی و برخی مناطق دیگر از جمله کشورهای آمریکای لاتین نسبت به اسرائیل دچار تحولاتی شده است. به رسمیت شناختن استقلال فلسطین توسط سوئد و واتیکان، تصمیم دادگاه عمومی اتحادیه اروپا برای خارج کردن اسم سازمان حماس از لیست سازمان‌های تروریستی، و تلاش کشورهای اروپایی برای به نتیجه رساندن فرایند صلح از جمله این اقدامات است. به‌نظر می‌رسد صلح اسرائیل و فلسطین علاوه بر انگیزه‌های مالی برای اتحادیه اروپا، نتیجه نگرانی کشورهای عضو این اتحادیه در مورد تندروی مسلمانان اروپا نیز هست. چرا که برخی از رهبران اروپایی حل منازعه فلسطین و اسرائیل را در فرونشاندن خشم و نارضایتی مسلمانان موثر می‌دانند. دیدگاه‌های مختلفی در خصوص حمایت اروپا از فلسطین و انتقادش از اسرائیل وجود دارد. برخی آن را به وقایع تابستان ۲۰۱۴ و جنگ غزه مربوط می‌دانند و عده‌ای از جمله خود اسرائیلی‌ها آن را تلاش برای تضعیف اجماع جهانی برای ریشه کردن یهودآزاری تلقی می‌کنند.

تغییر رویه اتحادیه اروپا در قبال اسرائیل در روابط اقتصادی دوجانبه نیز مشهود است. اتحادیه اروپا در جولای ۲۰۱۳ دستورالعملی را تدوین کرد که طبق آن کمک مالی به سازمان‌های اسرائیلی در کرانه باختری، قدس شرقی و یا شهرک‌های بلندی‌های جولان را منع می‌کند. همچنین پس از پایان ناموفق آخرین دور گفتگوهای توافق اسرائیل و فلسطین، اتحادیه اروپا به اسرائیل اطلاع داد که اجازه واردات مواد غذایی تولید شده در شهرک‌های یهودی‌نشین اسرائیل را نمی‌دهد و دلیل آن را به رسمیت نشناختن صلاحیت آژانس‌های بازرسی اسرائیل در شهرک‌ها عنوان کرد. از دیدگاه عده‌ای اقدامات اروپا در راستای ایجاد محرک جهت بازگشت جدی اسرائیل به گفتگوهای صلح است.

یکی دیگر از کشورهایی که در طی سال‌های اخیر رابطه چالش‌برانگیزی با اسرائیل داشته است

مسائل کلیدی در سیاست ایالات متحده آمریکا

ترکیه است، به گونه‌ای که تلاش‌های آمریکا نیز برای بهبود روابط گاه بی‌نتیجه می‌ماند. پس از حمله اسرائیل به ناوگان کمک‌رسانی ترکیه به غزه، اظهارنظرهای منفی گاه و بیگاه رجب طیب اردوغان و همکاران او در رسانه‌های ترک طرفدار دولت در خصوص اسرائیل به این اختلافات سیاسی دامن زده است. اما به‌رغم دشواری‌های سیاسی دوجانبه، حجم تجارت دوجانبه در حال افزایش بوده است و طبق گزارش رییس شورای تجارت اسرائیل - ترکیه، حجم تجارت آنها می‌تواند بسیار بیشتر از این باشد.

ایالات متحده آمریکا و اسرائیل روابط دوجانبه خود را که مبتنی بر ارزش‌های دموکراتیک مشترک، پیوندهای مذهبی و منافع امنیتی است، سال‌های سال ادامه داده‌اند. در این میان رهبران اسرائیل همواره تلاش کرده‌اند امنیت اسرائیل و ثبات منطقه برای آمریکا پیش از پیش مهم باشد و تصمیم‌گیرندگان آمریکا را به این ترغیب کنند که اسرائیل برای ایالات متحده فارغ از ملاحظات ژئوپلیتیک و ارزش‌ها و آرمان‌های مشترک، ارزش چندوجهی و اساسی دارد. به این ترتیب، تقاضاهای احتمالی آمریکا از اسرائیل را جهت جبران هزینه‌های این حمایت تخفیف دهد، تقاضاهایی که می‌تواند شامل تمکین و تسلیم بیشتر اسرائیل و هماهنگی با ایالات متحده در اقدام نظامی و سیاست منطقه‌ای باشد. البته در سال‌های اخیر هماهنگی و توازن سیاست‌های دو بازیگر با چالش‌هایی مواجه بوده و دو طرف بر سر موضوعاتی چون برنامه هسته‌ای ایران و توافق صلح با فلسطین اختلاف نظرهایی داشته و منتقد سیاست‌های یکدیگر در این زمینه بوده‌اند و اگرچه این انتقادات در اظهارات مقامات طرفین نمود داشته، همکاری‌های دوجانبه در زمینه مسائل دفاعی، تجارت و انرژی همچنان به قوت خود باقی است.

همکاری‌های امنیتی

همکاری آمریکا و اسرائیل در زمینه دفاعی شامل کمک‌های نظامی، فروش تسلیحات، عملیات مشترک، تبادل اطلاعات، و همکاری‌های صنعتی جهت توسعه فناوری نظامی است. کمک‌های

نظامی آمریکا نیروی نظامی اسرائیل را به یکی از پیچیده‌ترین نیروهای نظامی به لحاظ تکنولوژیک تبدیل کرده است که برتری نظامی کیفی اسرائیل در منطقه حفظ و اسرائیل با ایجاد یک صنعت داخلی دفاعی به یکی از ده صادرکننده برتر تسلیحات نظامی در منطقه تبدیل شده است. همکاری‌های امنیتی آمریکا با اسرائیل از مجرای تصویب قوانین مربوط به حمایت از اسرائیل در کنگره آمریکا، اتخاذ تدابیری از سوی آمریکا برای حفظ برتری نظامی کیفی اسرائیل در منطقه، تضمین‌های امنیتی، کمک‌های نظامی و فروش تسلیحات، و همکاری در زمینه سامانه موشکی سپر آهنی صورت می‌گیرد. طی سه سال گذشته کنگره آمریکا دو قانون در زمینه همکاری مستمر و گسترده با اسرائیل تصویب کرده است. یکی، قانون افزایش همکاری امنیتی آمریکا - اسرائیل که در جولای ۲۰۱۲ تصویب شد، و دیگری قانون همکاری راهبردی آمریکا - اسرائیل که در دسامبر ۲۰۱۴ به تصویب رسید. قانون مربوط به سال ۲۰۱۲ شامل افزایش همکاری‌های عملیاتی، اطلاعاتی و سیاسی - نظامی، تسریع در فروش انواع خاصی از تسلیحات، و کمک‌های جانبی برای برنامه‌های دفاع موشکی مشترک می‌شود. قانون همکاری راهبردی آمریکا - اسرائیل، اسرائیل را شریک راهبردی ایالات متحده آمریکا می‌داند و بر توسعه قدرت ذخایر جنگی اسرائیل، گسترش همکاری‌های دوجانبه در زمینه مسائل سایبری، دادن مجوز تجارت راهبردی به اسرائیل و برنامه‌ها و طرح‌های تحقیقاتی مشترک دو جانبه صحنه می‌گذارد.

دولت‌های متعدد آمریکا همواره این بحث را مطرح کرده‌اند که فروش تسلیحات از سوی آمریکا به اسرائیل سازوکاری مهم برای اداره و رفع نگرانی‌های امنیتی اسرائیل است. در مقابل، برخی اعضای کنگره اعتقاد داشتند که فروش سلاح‌های نظامی ویژه به کشورهای عربی می‌تواند برتری نظامی کیفی اسرائیل بر همسایگانش را در منطقه از بین ببرد. با چنین استدلالی، کنگره آمریکا در سال ۲۰۰۸ قانونی با این مضمون تصویب نمود که در فروش تسلیحات آمریکا به هر کشوری در خاورمیانه به جز اسرائیل، باید این اطمینان خاطر به کنگره داده شود که فروش یا صدور چنین تسلیحاتی، برتری نظامی کیفی اسرائیل بر تهدیدات نظامی را تحت‌تاثیر قرار نمی‌دهد. (قانون QME) پس از تصویب این قانون کارگروه دو جانب‌های تشکیل شد که این اجازه را به اسرائیل می‌داد تا در مورد فروش تسلیحات پیشنهادی آمریکا در منطقه اظهارنظر نماید. گزارش‌ها نشان

می‌دهد در سال ۲۰۱۵ پیشنهاد آمریکا برای فروش سلاح‌های پیشرفته به کشورهای عربی در واکنش به نگرانی‌های منطقه‌ای در مورد توافق بین‌المللی احتمالی با ایران، واکنشی از سوی اسرائیل در پی نداشت. ممکن است مقامات اسرائیلی فروش سلاح از سوی آمریکا به کشورهای خلیج فارس را به نفع خود بدانند؛ چراکه موجب می‌شود اسرائیل بتواند با استناد به لزوم برتری نظامی کیفی در منطقه، سلاح‌های بسیار پیشرفته‌تری دریافت کند.

اگرچه هیچ پیمان یا توافق دفاعی دو جانبه که در بردارنده تضمین‌های رسمی امنیتی از جانب آمریکا باشد، میان اسرائیل و آمریکا وجود ندارد، اما دولت‌های آمریکا آشکار و نهان تاکید کرده‌اند که ایالات متحده آمریکا در صورت وجود تهدیدات ویژه علیه اسرائیل، تمهیدات دفاعی تدارک خواهد دید. هر دو مجلس آمریکا نیز در خصوص حق اسرائیل برای دفاع از خود و تلاش‌های آمریکا جهت تقویت ظرفیت دفاعی اسرائیل، قطعنامه‌هایی صادر کرده‌اند. البته، برخی مقامات اسرائیل تمایل چندانی به وجود تضمین‌های امنیتی از سوی آمریکا ندارند؛ چراکه معتقدند وجود چنین تضمین‌ها و ترتیباتی می‌تواند آزادی عمل اسرائیل را محدود نماید و اسرائیل را مجبور به چشم‌پوشی از توانایی‌های مستقل خود کند. ضمن اینکه این نگرانی وجود دارد که آمریکا به تعهدات خود عمل ننماید.

یکی از مهم‌ترین شیوه‌های همکاری نظامی آمریکا با اسرائیل، اعطای کمک‌های خارجی است. بنابر گزارش‌ها اسرائیل بزرگ‌ترین دریافت‌کننده کمک‌های خارجی ایالات متحده آمریکا از زمان جنگ جهانی دوم است که از سال ۲۰۰۴ که گاه عراق و افغانستان جایگزین آن شده‌اند. در گذشته، اسرائیل کمک‌های اقتصادی قابل توجهی دریافت می‌کرد اما اکنون تقریباً تمام کمک‌های دوجانبه آمریکا به اسرائیل در قالب سرمایه‌گذاری نظامی خارجی (FMF) صورت می‌گیرد. میزان سرمایه‌گذاری‌های نظامی خارجی آمریکا در اسرائیل تقریباً نصف کل سرمایه‌گذاری خارجی آمریکا و ۲۰ درصد بودجه نظامی اسرائیل است.

ایالات متحده همچنین کمک‌های سالانه مدارس و بیمارستان‌های آمریکایی (ASHA) و کمک‌های مربوط به مهاجرت را نیز به اسرائیل تخصیص می‌دهد. از سال ۲۰۱۵ با تصویب قانون گسترش همکاری امنیتی اسرائیل و آمریکا تضمین‌هایی در خصوص وام و اعتبارات و کمک‌های غیرمستقیم نیز برای اسرائیل در نظر گرفته شده است.

بخشی از کمک‌های آمریکا به اسرائیل مربوط به سیستم سامانه موشکی سپر آهنی اسرائیل و برنامه‌های مربوط به دفاع موشکی دوجانبه می‌شود. در دوران جنگ غزه در تابستان ۲۰۱۴ وزیر دفاع امریکا (چاک هیگل) طی نامه‌ای به کنگره اعلام کرد که اسرائیل برای سپر آهنی خود تقاضای ۲۲۵ میلیون دلار کمک نموده و از اعضای کنگره تقاضای حمایت کرد. این تقاضا با تصویب قطعنامه‌های با عنوان قطعنامه تسهیلات مکمل ضروری از سوی کنگره پاسخ داده شد.

مسائل مربوط به اسرائیل - فلسطین

دیپلماسی فرایند صلح میان اسرائیل و فلسطین، بیت‌المقدس و شهرک‌سازی توسط اسرائیل سه محور عمده مسائل مربوط به اسرائیل و فلسطین است که هر سه در پیوند با یکدیگر قرار دارند. از زمان جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۶۷، چارچوب زمین برای صلح و راه حل دو دولت بنیان سیاست آمریکا در قبال مسئله اسرائیل و فلسطین بوده است. در حالی که اسرائیلی‌ها هرگونه توافق را منوط به دست کشیدن فلسطینی‌ها از کرانه باختری و غزه می‌دانند، رهبران فلسطینی و حاکمان کشورهای عربی در صورت واگذاری کرانه باختری، غزه و بیت‌المقدس به اسرائیل با چالش افکار عمومی خود مواجهند. در سایه چنین اختلاف‌نظرهایی، فرایند مذاکرات صلح همواره پرنشیب‌وفراز بوده است. در طول دو سال نخست ریاست جمهوری باراک اوباما و نخست‌وزیری بنیامین نتانیاهو، آمریکا تلاش کرد تا اسرائیل را از ساخت‌وساز شهرک‌ها در طول خط آتش‌بس ۱۹۴۹-۱۹۶ (خط سبز) باز دارد، که این تلاش‌ها چندان موفق نبود و به تداوم معنادار مذاکرات منجر نشد. طی دو سال آتی محمود عباس، رییس سازمان آزادی‌بخش فلسطین، ابتکار عمل را در خارج از فرایند مذاکرات در دفاتر و نهادهای وابسته به سازمان ملل در دست گرفت. این ابتکارات با هدف افزایش مشروعیت بین‌المللی تقاضای فلسطین در مورد حاکمیت مستقل در کرانه باختری و غزه بود. نتیجه چنین اقداماتی این بود که مجمع عمومی سازمان ملل با تصویب قطعنامه‌های در نوامبر ۲۰۱۲ وضعیت ناظر دایم سازمان آزادی‌بخش فلسطین را به عنوان «موجودیت» به «دولت غیرعضو» تغییر داد. یک سال پیش از آن نیز سازمان آزادی‌بخش فلسطین موفق به عضویت در سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل شده بود. این ابتکار عمل‌ها دست‌کم موجب بهبود

موقعیت فلسطین در مذاکرات و اعمال فشارهای سیاسی و اقتصادی بر اسرائیل می‌شود. در مجموع اختلافات اساسی اسرائیل و فلسطین را از رسیدن به یک توافق باز می‌دارد. عدم تمایل محمود عباس برای شناسایی صریح اسرائیل به عنوان (دولت ملت یهود)، چگونگی ترتیبات جدید در مرز دره اردن، کرانه باختری، مشاجره بین طرفین بر سر معاوضه زمین و اتهامات دوجانبه از جمله مسائل مناقشه‌برانگیز میان دو طرف است.

در نهایت اینکه آینده مذاکرات صلح اسرائیل و فلسطین با سوالات متعددی روبه‌روست، از جمله اینکه: منازعات اخیر، تقابل دیپلماتیک و تنش‌های مداوم بین اسرائیلی‌ها و فلسطینیان چگونه چشم‌انداز مذاکرات و راه حل دو دولت را تحت‌تاثیر قرار خواهد داد؟ آیا حکومت فلسطین که در ژوئن ۲۰۱۴ با اجماع فتح و حماس شکل گرفت، می‌تواند تداوم یابد و با همکاری سازمان آزادی‌بخش فلسطین با اسرائیل مذاکره کند؟ آیا آمریکا چارچوبی برای موضوعات مهم منازعه مطرح خواهد کرد که به معنای پیشبرد فرایند صلح باشد، و اگر چنین است، چه زمانی؟ همچنین ایالات متحده چگونه تلاش‌های یک‌جانبه توسط اسرائیل و فلسطین و همچنین تلاش‌های سایر بازیگران یا سازمان‌های بین‌المللی را اداره خواهد کرد؟

تلاش فرانسه برای تصویب قطعنامه‌های در شورای امنیت سازمان ملل در سپتامبر سال ۲۰۱۵ از جمله اقداماتی بود که وابسته به رضایت آمریکا بود و چنان‌که توسط یکی از مقامات وقت آمریکا اظهار شد، این کشور در تلاش بود تا در کنار موضوع مذاکره با ایران، جبهه دومی باز نکند. ضمن اینکه پیشنهادات فرانسه متضمن مواردی بود که خلاف نظر آمریکا بود، از جمله اینکه اسرائیل را به‌صراحت به عنوان دولت یهود به رسمیت نمی‌شناخت.

از دیگر مسائل مربوط به موضوع اسرائیل و فلسطین، بیت‌المقدس است که اسرائیل قدس شرقی و برخی از حومه‌های آن در مجاورت کرانه باختری را اندکی پس از اشغال نظامی این مناطق در جنگ ۱۹۶۷ ضمیمه خود کرده است. با این اقدام، اسرائیل این مناطق اشغال شده را که عمده جمعیت آن عرب بود، به بخش غربی شهر که کنترل آن را از سال ۱۹۴۸ در دست دارد، متصل کرده است. اسرائیل کل این منطقه را پایتخت ابدی و غیرقابل تقسیم خود می‌داند. درحالی‌که فلسطینی‌ها قدس شرقی را پایتخت کشور آینده خود تصور می‌کنند. از سوی دیگر،

دولت‌های متعدد آمریکا از هر دو حزب سیاسی از سال ۱۹۴۸ به این سو، تصریح کرده‌اند که در مورد آینده بیت‌المقدس باید طی مذاکرات تصمیم‌گیری کرد و دو طرف را از اقداماتی که نتیجه نهایی مذاکرات را متاثر کند، برحذر داشته‌اند. با این حال، مجلس نمایندگان و سنه، هر دو قطعنامه‌هایی تصویب کرده‌اند و از دولت کلینتون خواسته‌اند تا تأیید کند که بیت‌المقدس باید پایتخت غیرقابل تقسیم اسرائیل باقی بماند. در همین رابطه احتمال تغییر مکان سفارت آمریکا از تل‌آویو به بیت‌المقدس یکی از موضوعات مورد بحث بوده است. موافقان این طرح چنین استدلال می‌کنند که اسرائیل تنها بازیگری است که سفارت آمریکا در آن در پایتختی که توسط خود اسرائیل شناسایی شده، قرار ندارد. در مقابل مخالفان معتقدند که چنین جابه‌جایی آینده مذاکرات و اعتبار آمریکا نزد فلسطینی‌ها و جهان اسلام را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد. در سال ۱۹۹۵ قانون سفارت بیت‌المقدس برای جابه‌جایی سفارت آمریکا تا ۳۱ می ۱۹۹۱ توسط کنگره به تصویب رسید اما روسای جمهور اختیار داشتند که محدودیت‌هایی بر هزینه‌های وزارت امور خارجه در صورت انتقال سفارت اعمال کنند. به این ترتیب کلینتون، بوش و اوباما این محدودیت در هزینه را اعمال کرده و مانع انتقال پایتخت شدند. کنگره‌های متعدد آمریکا (۱۴۵ کنگره) و اعضای آن، گونه‌های مشابهی از قانون سفارت بیت‌المقدس و شناسایی را مطرح یا قطعنامه‌ها و لویحی در این خصوص داده‌اند. چنین لویحی و قطعنامه‌هایی در پی تغییر مکان سفارت و حذف اختیار رییس جمهور برای تعلیق هزینه‌های وزارت امور خارجه بوده‌اند.

اقدام اسرائیل در خصوص شهرک‌سازی در کرانه باختری و قدس شرقی از دیگر موضوعات مرتبط با فلسطین است. حدود ۳۴۰ هزار نفر اسرائیلی در شهرک‌های کرانه باختری و نزدیک ۲۰۰ هزار نفر در قدس شرقی زندگی می‌کنند. نخستین شهرک‌سازی‌ها در کرانه باختری در پی جنگ ۱۹۶۷ آغاز شد، اما مهم‌ترین آنها در اواخر دهه ۱۹۷۰ با ظهور جنبش گاش‌آمونیم (بلوک وفاداری) و پیروزی انتخاباتی مناخیم بگین از حزب لیکود در سال ۱۹۷۷ آغاز شد. طبق گزارش نیویورک تایمز، رشد جمعیت ساکن در شهرک‌ها از سال ۱۹۹۹ بیش از دو برابر رشد جمعیت اسرائیل بوده است. اسرائیلی‌هایی که مدافع مشروعیت شهرک‌سازی هستند، اغلب ترکیبی از توجیهات قانونی، تاریخی، راهبردی، ملی‌گرایانه یا مذهبی را ارایه می‌کنند. جامعه بین‌الملل عموماً ساخت و سازهای

اسرائیل ورای خط سبز را غیرقانونی می‌دانند. فلسطینی‌ها در مخالفت با شهرک‌سازی‌های اسرائیل به ساخت دیوار حایل توسط اسرائیل در کرانه باختری اشاره می‌کنند؛ چراکه این خط حایل آنها را از قدس شرقی جدا می‌کند و در برخی جاها زمین‌های آنها و اجتماعشان را به دو نیم می‌کند. عده‌ای معتقدند اسرائیل با ساخت دیوار حایل که خط سبز را دنبال می‌کند، اما در برخی نقاط از آن جدا می‌شود، به دنبال تعیین یک‌جانبه مرز بین اسرائیل و دولت آینده فلسطین است. سیاست آمریکا در مورد شهرک‌سازی اسرائیل از سال ۱۹۶۷ متفاوت بوده است. تا دهه ۱۹۸۰ دولت‌های متعدد تلویحا یا آشکارا شهرک‌سازی را مغایر حقوق بین‌الملل یا برخی روسای جمهور مثل کارتر آن را غیرقانونی دانسته‌اند. اما از دهه ۱۹۸۰ به این سو عموماً از اظهارنظر در مورد قانونی بودن شهرک‌سازی‌ها اجتناب کرده‌اند، اگرچه یک موضع مشترک همواره این بوده است که شهرک‌سازی‌ها را مانعی برای صلح دانسته‌اند. برای دولت اوباما نیز موضع‌گیری درخصوص شهرک‌سازی‌ها چالش برانگیز بوده است. وی در ادامه تلاش‌های خود برای آغاز مجدد فرایند صلح از اسرائیل خواسته است تا تمام فعالیت‌های شهرک‌سازی خود را از جمله در قدس شرقی متوقف کند. با این حال، در فوریه ۲۰۱۱ آمریکا پیش‌نویس قطعنامه‌های در شورای امنیت سازمان ملل را که شهرک‌سازی در کرانه باختری و قدس شرقی را غیرقانونی اعلام می‌کرد، وتو کرد. در دسامبر ۲۰۱۴، ۴۸ عضو کنگره طی نام‌های به رییس‌جمهور خواهان شفاف‌سازی در خصوص گزارش رسانه‌ها مبنی بر احتمال برداشتن قدم‌هایی از سوی دولت آمریکا علیه اسرائیل در واکنش به ساخت شهرک‌ها شدند.

به‌رغم مخالفت‌های بین‌المللی، به‌نظر می‌رسد ساختار جامعه و سیاست‌های اسرائیل به‌گونه‌ای است که کمتر متأثر از عوامل بیرونی است. چنان‌که ساکنین شهرک‌ها نیز به روش‌های مختلف، محاسبات دیپلماتیک رهبران اسرائیل را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند. آنها با تأثیرگذاری بر بلوک‌های رای‌گیری کلیدی و مهم در سیستم پارلمانی ائتلاف محور، تحرکات و اقدامات خیانت‌آمیز برای دامن زدن به اعتراض‌های عمومی و حتی خشونت سعی در تأثیرگذاری بر تصمیمات رهبران اسرائیل در خصوص سیاست شهرک‌سازی دارند. ضمن اینکه آنان خود را حامیان نمادین، احساسی و حتی روحی و معنوی مرزهای خود می‌دانند.

یکی دیگر از مسائل مرتبط با شهرک‌سازی‌ها، آینده ساکنان یهودی ساکن در این شهرک‌ها در صورت شکل‌گیری کشور فلسطین است؛ چراکه روشن نیست در این صورت آیا آنان علاقمند به زندگی در مرزهای دولت جدید خواهند بود یا به داخل اسرائیل نقل مکان خواهند کرد. تامین امنیت اسرائیلی‌هایی که بخواهند داوطلبانه در کشور فلسطین زندگی کنند، بسیار پیچیده خواهد بود.

تکنولوژی و اطلاعات دفاعی حساس

۱۲۱ | فروش تسلیحات و اطلاعات و توسعه مشترک تکنولوژی بین آمریکا و اسرائیل این سوال را مطرح کرده است که اسرائیل با ظرفیت‌ها و اطلاعاتی که به دست می‌آورد، چه می‌تواند بکند. قانون کنترل صادرات تسلیحاتی (AECA) و مقررات مربوط به اجرای آن، به فروش تسلیحات یا ملزومات دفاعی آمریکا به اسرائیل و دیگر کشورها مربوط می‌شود. بخش سوم این قانون تصریح می‌کند که دولت‌های خارجی جهت حفظ مطلوبیت خرید تسلیحات، آموزش و خدمات دفاعی آمریکا باید توافق کنند که سلاح‌های خریداری شده یا آموزش‌های کسب کرده را به جز در مواردی که در قانون اجازه دارند، استفاده نکنند و یا آن را به کشور ثالث منتقل نکنند.

یکی از موضوعات حساس در رابطه نظامی آمریکا و اسرائیل، فروش تسلیحات توسط اسرائیل به کشورهای دیگر است. اگرچه اسرائیل یکی از صادرکنندگان مهم تسلیحات است. ولی دو بازیگر بارها در خصوص فروش تجهیزات و تکنولوژی‌های امنیتی حساس اسرائیل به کشورهای مختلف و به ویژه چین بحث کرده‌اند. در سال ۲۰۰۵ آمریکا و اسرائیل تفاهم‌نامه‌ای جهت امنیت تکنولوژی به امضا رساندند و در پی آن گفتگوهای راهبردی دو جانبه که پیشتر به تعلیق در آمده بود، از سر گرفته شد. بر اساس این تفاهم‌نامه آمریکا می‌توانست در صورتی که فروش تسلیحات به کشوری را به ضرر منافع امنیت ملی خود بداند، آن را وتو کند.

فروش تجهیزات دفاعی آمریکا به اسرائیل موضوع توافق نامه AECA و توافق نامه دوجانبه کمک دفاعی در ۱۹۵۲ بوده است. یکی از مسائل مهم در این زمینه در توافق نامه ۱۹۵۲ مورد اشاره قرار گرفته و آن اینکه رژیم اشغالگر اسرائیل این اطمینان را به آمریکا می‌دهد که تجهیزات، لوازم یا ملزوماتی را که از آمریکا دریافت می‌کند، صرفاً برای حفظ امنیت داخلی اسرائیل و دفاع مشروع از

خود استفاده کند و نه علیه کشورهای دیگر. گاه گزارش‌هایی در آمریکا منتشر شده است که نشان می‌داد اسرائیل تجهیزات دفاعی مربوطه را خارج از چارچوب در توافق مذکور به کار گرفته است. آخرین نمونه چنین گزارش‌هایی در ژانویه ۲۰۰۷ در رابطه با نگرانی آمریکا از استفاده اسرائیل از مهمات خوشه‌ای در طول جنگ علیه حزب‌الله لبنان در سال ۲۰۰۶ به کنگره ارسال شد.

جاسوسی و موارد مرتبط با آن، از دیگر مسائل حساس بین آمریکا و اسرائیل است. در طی ۳۰ سال گذشته دست‌کم سه مورد بوده است که طی آن کارکنان دولت آمریکا به افشای اطلاعات مهم به اسرائیل یا توطئه به‌عنوان عامل اسرائیل محکوم شده‌اند. گزارش‌ها حاکی از آن است که نگرانی در مورد جاسوسی اسرائیل مورد تأکید مقامات آمریکاست. چنان‌که قانون همکاری راهبردی اسرائیل و آمریکا که در صدوسیزدهمین کنگره آمریکا مطرح شد، موضوع لغو روایت بین آمریکا و اسرائیل را در دستور کار خود داشت. جامعه اطلاعاتی و مقامات بخش‌های امنیت سرزمین در مقابل این استدلال را مطرح کردند که لغو روایت ایالات متحده را در برابر جاسوسی اسرائیل آسیب‌پذیر می‌کند.

وضعیت هسته‌ای اسرائیل

طبق گزارش‌ها اسرائیل زرادخانه‌های با ۸۰ الی ۲۰۰ سلاح هسته‌ای دارد. با این حال، طبق توافق دوجانبه میان آمریکا و اسرائیل در سال ۱۹۶۹ هرگز اطلاعات مربوط به زرادخانه هسته‌ای اسرائیل افشا نخواهد شد. برخی اعضای جامعه بین‌الملل معتقدند وضعیت مبهم هسته‌ای اسرائیل مانعی برای پیشبرد اهداف منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای است. ضمن اینکه اسرائیل نه عضو پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) است و نه کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی را تصویب کرده است. وقایع و تحولات اخیر در ایران و سوریه بار دیگر توجه بین‌المللی را به زرادخانه هسته‌ای اسرائیل جلب کرده است. مقامات اسرائیل نیز به دلیل داشتن انگیزه‌های مشترک با کشورهای عربی در سال ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ با مقامات کشورهای عرب دیدارهایی داشته‌اند تا در خصوص منطقه‌ای عاری از سلاح‌های هسته‌ای مذاکره کنند، اگرچه این مذاکرات به دلیل عدم توافق بر سر اولویت دادن به موضوع صلح اعراب و اسرائیل یا خلع سلاح بی‌نتیجه پایان یافت. در

سال ۲۰۱۵ نیز اسرائیل برای اولین بار به عنوان عضو ناظر در کنفرانس بررسی NPT شرکت کرد. پیش‌نویس بیانیه‌های با موضوع منطقه‌ای عاری از سلاح‌های کشتار جمعی که توسط مصر پیشنهاد و مطرح شده بود، از سوی آمریکا و کانادا در حمایت از موضع اسرائیل رد شد.

مسائل مربوط به تجارت دوجانبه

طبق اطلاعات کمیسیون تجارت بین‌الملل آمریکا، اسرائیل بیست و چهارمین شریک تجاری آمریکا است. آن دو در سال ۱۹۵۸ توافق تجارت آزاد (FTA) را امضا کردند که تمام موانع گمرگی بین شرکای تجاری دو طرف برداشته شد. صادرات اسرائیل به ایالات متحده از زمان توافق تجارت آزاد افزایش چشم‌گیری داشته است. مناطق صنعتی واجد شرایط در اردن و مصر به عنوان بخشی از مناطق تجارت آزاد آمریکا - اسرائیل لحاظ شده است.

در سال ۲۰۱۳ اسرائیل حدود ۱۵ میلیارد دلار واردات کالا از آمریکا و در مقابل ۲۳ میلیارد صادرات به این کشور داشته است. دو طرف با حمایت مالی کنگره برنامه‌هایی در خصوص انجام تحقیقات علمی و صنعتی در اسرائیل دارند.

این گزارش خلاصه‌ای از متن تفصیلی در مورد برآورد راهبردی اسرائیل است و در نشانی زیر قابل مطالعه می‌باشد:

Congressional Research Service, Available at: www.crs.gov